

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قصه های مردم جنوب

شهرستان های لامرد و مهر

محمد میر



زمستان ۱۳۹۱

سرشناسه: میر، محمد، ۱۳۵۴-
عنوان و نام پدیدآور: قصه‌های مردم جنوب: شهرستان‌های لامرد و
مهر، محمد میر.

مشخصات ناشر: فارس، نشر ایراهستان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۱۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۵۰-۲-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی — قرن ۱۴ — مجموعه‌ها

موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ عتی/م/۹ PIR۴۲۴۹

رده‌بندی دیویی: ۸۵۳/۶۲۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۵۹۸۶



نام کتاب: قصه‌های مردم جنوب (شهرستان‌های لامرد و مهر)

مؤلف: محمد میر

ناشر: انتشارات ایراهستان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۵۰-۲-۲

انتشارات ایراهستان: ۰۰۹۱۷۳۸۲۷۰۰۲-irahestanpub@gmail.com

فهرست

صفحه	عنوان قصه
۶	مقدمه
۸	شاه زندو و شاه میمون
۱۱	کره‌ی آروبا
۲۲	ازدواج جوان خسیس
۲۴	مرد خسیس و بز مغرور
۲۹	پری خر
۳۱	گربه سیاه مدبخ
۳۳	شش خواهر
۳۶	سگ گله و روباه
۳۹	دختر و زن بابا
۴۵	روباه، کلاغ و شیر
۴۸	کله لک
۵۳	ازدواج پسر پادشاه با سگ
۵۵	پسر خارکن و انگشتی
۵۹	دختر و قاطر
۷۹	دیو و دختر
۸۹	قصه‌ی مُشک و مور
۹۶	عاقبت کار بیهوده
۱۰۷	بز، شغال و کنه
۱۱۱	پیرزن و گربه‌ای که می‌خواست برقصد

مقدمه

قصه‌ها و افسانه‌های رایج در میان عامه مردم برخاسته از اعماق وجودی انسان‌هایی است که سالیان سال در پیکار با طبیعت اطراف خود شکل گرفته است.

آنچه روشن و مبرهن است این که قصه‌ها و افسانه‌ها در گستره‌ی وجودی خود اشاراتی به تفکرات، نگرش‌ها و باورهای مردمانی دارد که اینها را نسل به نسل در سینه‌های خود محفوظ داشته، با تخیلات شگرف خود به آن شاخ و برگ داده و به دیگران منتقل کرده‌اند.

مردمان جنوب فارس (شهرستان‌های لامرد و مهر) نیز همچون مردمان دیگر مناطق کشور کودکان خود را در شب‌های طولانی زمستان با قصه‌هایی که میراث گذشتگان است تحت عنوان "مَثَلک شو = masalake šow" یا "گپ شو" به خواب می‌برده‌اند و بدین ترتیب درس زندگی و تجربه، توأم با شیرینی حوادث به آنها می‌آموخته‌اند.

سعی ما در این مجموعه روایت قصه‌ها و افسانه‌هایی است که در اکثر مناطق جنوبی و بعضاً با تغییراتی در دیگر مناطق کشور رایج بوده و به سبب گسترش زندگی ماشینی و رواج سرگرمی‌ها و بازی‌های نوین به دست فراموشی گراییده و کمتر افرادی، جز سالخوردگان در سینه‌های بزرگ خود از آنها پاسداشت می‌نمایند.

آن چه قابل ذکر است این که با توجه به تفاوت‌هایی که در آداب و رسوم و گویش مردمان جنوب وجود دارد، قصه‌ها و افسانه‌های رایج نیز یا مربوط به چند آبادی و روستا بوده و یا با تفاوت‌هایی در محتوی و نتیجه در میان آنها مشترک می‌باشد. بنابراین سعی نمودم ضمن توجه به روایات

متعدد، به ذکر یک روایت اکتفا نموده و در محتوای اصلی آن تغییری ایجاد ننمایم. انشاء الله در مجموعه‌ای دیگری، دیگر روایات نیز آورده خواهد شد. جهت آشنایی و پاسداشت زبان مادری قصه‌ها، چند قصه را علاوه بر نوشتار رسمی، به زبان اصلی آن همراه با آوانگاری آوردم و امیدوارم توانسته باشم بدین وسیله گوشه‌ای از گویش بومی را به خوانندگان ارائه داده باشم.

در پایان از تمامی بزرگوارانی که صبورانه حقیر را در ثبت و ضبط این مجموعه همراهی نمودند، به خصوص عبدالمجید میری، محمد میر "اکبر"، ستار میر "حسن"، مرتضی صادقی از (چاه‌کور) علی غیائی از (کمالی) حاصد علی‌پور از (خبرگو)، عبدالطیف قاسم‌زاده، سلمان ملک‌پور از (علامروشدت)، محمدرضا صدیقی از (هنگو)، مرحوم روح‌الله تاج‌امیری از (روگیر تاج‌احیر) زهرا غلامی از (محمد علیا، علی محسنی از (سیدهاشمی) و زهرا حسینی، راحله حیدری که بخش عظیمی از قصه‌ها به زبان مادری حاصل تلاش آنهاست، از (ترمان) و دوست ارشمندم سید ابوالقاسم هاشمی که مجموعه حاضر را بازخوانی نمودند، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

امیدوارم که بتوانم با یاری و حمایت یزدان بزرگ در آینده نزدیک دیگر قصه‌های جمع‌آوری شده را نیز در اختیار فرهنگستان و علاقه‌مندان قرار دهم.

محمد میر

آذر ماه ۱۳۹۱

شاه زندو^۱ و شاه میمون^۲

راوی: حاج غلامحسین حسینی، متولد ۱۳۰۹ ش.، بی‌سواد، روستای کتک

چنین روایت می‌کنند که در حدود هزار سال پیش امام‌زاده‌ای صاحب کرامت از نوادگان سلاله پیامبر در بیرم زندگی می‌کرد و مردم مناطق جنوبی فارس را به دین مبین اسلام دعوت می‌نمود. همزمان با شاه‌زندو، حاکمی ظالم و ستمگر به نام شاه میمون در قلعه‌ای به نام میمون نزدیک به بیرم بر مردم حکومت می‌کرد.

۱- شاه سلطان عقیق‌الدین معروف به شاه زندو مدفون در شهر بیرم به توالی متوفی سال و توفی در کتاب بیرم دارالاولیای لارستان ص: ۴۰ چنین آورده است: در بیان حالات حضرت عقیق‌الدین شاه زندو و باعث بر حرکت فرمودن آن جناب از مکه معظمه زاده‌ها شرقاً با اقوام و اقارب و انصار و اصحاب به سمت گرمسیرات فارس و سواحل دریای عمان از بیخ فالات و بنادر و جهانگیریه و بیرم تا علامرودشت و بلوک خنج و قیر و کارزین و دشتستان و برازجان که در آن اوقات در دین مجوس و آتش پرست بودند.

۲- قلعه‌ای در نزدیکی روستای فناغ واقع در شمال شرقی محل زندگی شاه زندو یعنی بیرم می‌باشد که حاکم آن شاه میمون نام داشته و به همین سبب قلعه نیز به نام حاکم آن مشهور گشته است. امروزه هنوز آن قلعه در میان مردم معروف می‌باشد.